

مجموعه کمیک‌موشن محمدامین رستم‌پور در روایت تداوم مقاومت پس از شهادت فرماندهان جنگ رمضان

با سربازانش چه می‌کنید؟!

کفت‌وگو
راضیه سیف

از شهادت سرداران بزرگ در جنگ رمضان سخن گفت و تأکید کرد که هدف اصلی، نمایش وابسته‌ نبودن نظام و مقاومت به اشخاصی خاص و تداوم مسیر حتی پس از شهادت فرماندهان است. جنگ رمضان در حوزه تولیدات رسانه‌ای و هنری، باعث خلق آثاری متنوع و متفاوت شد؛ آثاری که بعضی از آنها حتی در سطح جهان هم دیده شدند و واکنش‌های متعددی را به همراه داشتند. در این گفت‌وگو، با محمدامین رستم‌پور، یکی از سازندگان کمیک‌موشن «با سربازانش چه می‌کنید؟» که این روزها از صداوسیما و شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود، همراه شدیم. این اثر که حاصل همکاری مشترک خانه تولیدات جوان مرکز سیمرغ صداوسیما و باشگاه فیلم سوره است، در هر قسمت به معرفی یکی از فرمانده‌های بزرگ ایران می‌پردازد.

ایده اولیه کار از کجا شکل گرفت و هدف از ساخت مجموعه کمیک‌موشن چیست؟

کار از شهادت شهید تنگسیری شروع شد؛ زمانی که خبر به صورت غیررسمی اعلام شد، فضای رسانه‌ای در نوعی ایهام و انتظار قرار داشت. در همان مقطع، بدون اینکه منتظر اعلام رسمی می‌انیم، تصمیم گرفتیم تصاویر مرتبط با کار و فعالیت‌های شهید تنگسیری را آماده کنیم و این آمادگی تا لحظه اعلام رسمی خبر ادامه داشت. بعد از خبر رسمی کار را منتشر کردیم. از همان بازه زمانی، این ایده در ذهن ما شکل گرفت که مفهوم «وابسته نبودن نظام به اشخاص» را به تصویر بکشیم. به این معنا که نشان دهیم استقرار و پایداری نظام، صرفاً به این فرمانده‌ها و افرادی که در رأس کار قرار دارند، خلاصه نمی‌شود و ساختار، بسیار عمیق‌تر و ریشه‌دارتر از یک فرد است. هدف ما این بود که تصویری فراتر از فقدان یک شخصیت ارائه دهیم و بر تداوم مسیر و استمرار جریان تأکید کنیم. در همین چارچوب، به میثاق اشاره کردیم که در مدیریت از آن با عنوان «استراتژی موزاییکی» یاد می‌شود. این مفهوم در استراتژی نظامی ما نیز قابل مشاهده است، به این معنا که ساختار به گونه‌ای طراحی شده که هر جزء، نقش خود را ایفا می‌کند و حذف یک جزء، به معنای فروپاشی کل مجموعه نیست. در واقع ممکن است فردی را شهید کنند، اما نیروها و سربازان، در مسیری که او شکل داده حرکت می‌کنند، با همان انسجام و هدفمندی به راه خود ادامه می‌دهند و خللی در کلیت مسیر ایجاد نمی‌شود. این دقیقاً مهم‌ترین پیامی بود که ما قصد داشت به مخاطب منتقل کند؛ اینکه استمرار، انسجام و پایداری یک جریان، وابسته به یک فرد نیست، بلکه به ساختار، باور مشترک و مسیری که ترسیم شده وابسته است و این مسیر حتی با فقدان افراد شاخص نیز ادامه پیدا می‌کند.

چه تکنیک و سبکی را برای ساخت کار انتخاب کردید و چرا سراغ این نوع ارائه محتوا رفتید؟

تکنیک کار تقریباً در دسته کمیک‌موشن قرار می‌گیرد؛ از عناصر تصویرسازی ثابت استفاده کردیم اما با حرکت‌های کنترل شده، به تصاویر جان بخشیدیم. کار اول را با استایل خاکی رنگ طراحی کردیم، اما در ادامه مسیری، تلاش کردیم از رنگ‌های پرچم ایران، یعنی سفید، سبز و قرمز استفاده کنیم که با هدف تقویت بار هویتی و ملی اثر انجام شد. درباره انتخاب این مدل محتوا، بیشتر تمرکز ما روی همان هدفی بود که از ابتدا دنبالش می‌کردیم؛ اینکه هم در

«اهل ایران» تلاش می‌کند نگاه مسارا از قهرمانان دوردست به آدم‌های معمولی برگرداند؛ همان‌هایی که در دل زندگی روزمره، بی‌بیاهوا ایستادگی می‌کنند و معنای یادداری را در همین اکنون می‌سازند.

سریال «اهل ایران» را می‌توان تلاشی برای نزدیک‌تر شدن به معنای قهرمانی در زندگی روزمره دانست، تلاشی که آگاهانه از قهرمان دور از دسترس فاصله می‌گیرد و به آدم‌هایی نگاه می‌کند که بی‌روصدا، در دل همان زندگی معمولی، ایستادگی می‌کنند. این تغییر زاویه نگاه، در ظاهر شاید ساده به نظر برسد، اما در عمل، نوعی جابه‌جایی مهم در شیوه روایت است؛ از قهرمانان استثنایی به انسان‌های عادی که قهرمانی‌شان را در دل لحظه‌های ساده زندگی معنا می‌کنند.

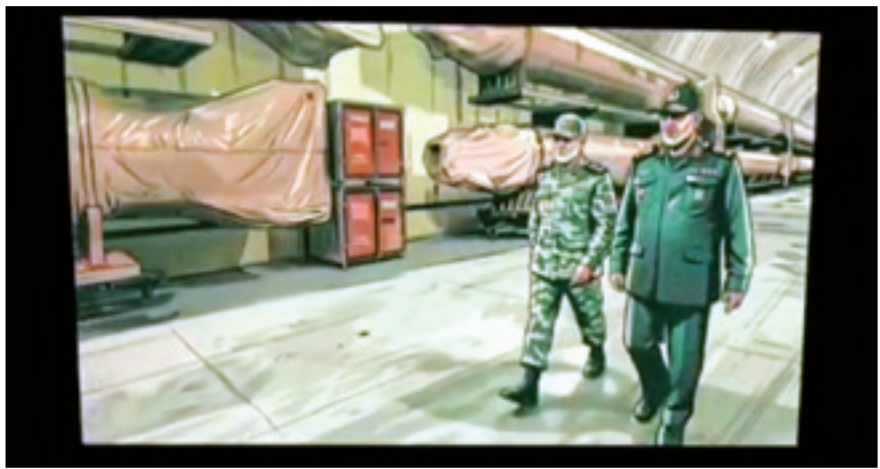
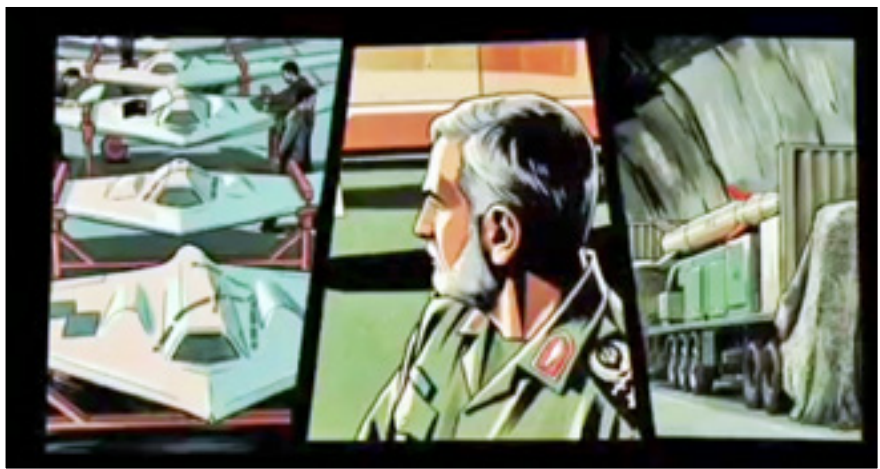
ایده اصلی «اهل ایران» بر همین نقطه تأکید دارد؛ اینکه یادداری، مفهومی نیست که فقط در بزنگاه‌های تاریخی شکل بگیرد، بلکه در همین «لحظه» جاری است؛ در تصمیم‌های کوچک، در ادامه دادن‌ها، در نایستادن‌ها. این نگاه، به‌ویژه در زمانی که اغلب روایت‌ها به لحظات پرهیجان و دراماتیک محدود می‌شوند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. سریال سعی دارد یادآوری کند بخش بزرگی از زیست انسانی، نه در لحظه‌های استثنایی، بلکه در همین تداوم آرام و پیوسته شکل می‌گیرد.

طراحی این پروژه از سوی محمدحسین مهدویان، در ادامه دغدغه‌های پیشین او قابل فهم است، اما در عین حال، نشانه‌ای از یک تغییر مسیر هم به شمار می‌آید. اگر در کارهای قبلی‌اش بیشتر با تاریخ رسمی و چهره‌های شناخته‌شده مواجه بودیم، اینجا با نوعی توجه به «تاریخ نانوشته» روبه‌رو هستیم؛ تاریخی که در زندگی روزمره مردم همچنان و هنوز جریان دارد و کمتر به آن پرداخته شده است. این انتخاب، به سریال هویتی متفاوت می‌دهد و آن را از بسیاری از تولیدات مشابه جدا می‌کند.

در این میان، نقش بزدانی خرم، به عنوان نویسنده نیز قابل توجه است. زبان روایت در «اهل ایران» تلاش می‌کند متعادل بماند؛ نه به سمت شعارزدگی می‌رود و نه در پیچیدگی‌های غیرضروری غرق می‌شود. نتیجه، متنی است که در عین سادگی، واجد دقت و ظرافت است و می‌تواند مخاطب را به دل موقعیت‌هایی ببرد که هم آشنا هستند و هم قابل تأمل.

این همان جایی است که مخاطب احساس می‌کند با داستانی واقعی تر روبه‌رو است. یکی از نکات قابل توجه در «اهل ایران»، استفاده از کارگردانان مختلف است. این انتخاب، به اثر نوعی تنوع می‌بخشد که با مضمون آن همخوانی دارد. هر کارگردان، با نگاه و تجربه خود، بخشی از این جهان را روایت می‌کند و در نهایت، مجموعه‌ای شکل می‌گیرد که گویی تصویری چندلایه از جامعه ایرانی است. این تنوع، به‌ویژه در روایت‌ها و فضاها، به خوبی دیده می‌شود و از یکنواختی جلوگیری می‌کند.

در کنار این، حضور بازیگران غیرچهره، تصمیمی است که به باور پدیری اثر کمک کرده است. نبود چهره‌های آشنا، باعث می‌شود مخاطب کمتر درگیر پیش‌فرض‌های ذهنی شود و راحت‌تر با شخصیت‌ها ارتباط برقرار کند. اینجا دیگر با «فکش» طرف نیستیم،



داخل این نکته را منتقل کنیم و هم در سطح بیرونی، از نظر داخلی، می‌خواستیم این پیام را به مردم خودمان برسانیم که موضوع صرفاً به فرماندهان خلاصه نمی‌شود؛ با یک مکتب و یک مسیر طرف هستیم. تأکید ما این بود که حتی اگر فرماندهان ما را شهید کنند، این مسیر متوقف نمی‌شود و استمرار آن وابسته به یک فرد یا چند چهره شاخص نیست. در واقع، آنچه جریان را زنده نگه می‌دارد، باور مشترک، ساختار شکل گرفته و مسیری است که ترسیم شده، نه صرفاً حضور یک فرمانده در رأس. در عین حال، همین پیام را می‌خواستیم به خارج از کشور و حتی به دشمن و جبهه مقابل نیز منتقل کنیم. برداشت ما این است که مسئله‌ای که آنها با آن مواجهند، دقیقاً همین سوء برداشت است؛ اینکه تصور می‌کنند با هدف قرار دادن فرماندهان، همه‌چیز به پایان می‌رسد. گمان می‌کنند اگر فرمانده نیروی دریایی ما را بزنند، آن نیرو دچار انفعال می‌شود یا ساختار از هم می‌پاشد، در حالی که تأکید ما بر این بود که چنین نگاهی، شناخت ناقصی از واقعیت دارد، چون ساختار به صورت لایه‌مند طراحی شده و استمرار آن وابسته به یک شخص نیست. پیام ما این بود که این مسیر، با وجود فقدان افراد، ادامه پیدا می‌کند و متوقف نمی‌شود.

اثر بیش‌تستر برای چه مخاطبی مناسب است؟ با توجه به اینکه گفتید اثر پیامی برای مخاطب غیر ایرانی هم دارد، قصد تولید محتوا به زبان انگلیسی را دارید؟

متن پایانی اثر در حال حاضر به زبان انگلیسی است، اما بعد از پایان این مجموعه سعی داریم متن ابتدایی اثر نیز که شامل سخنرانی آن شهید و شخصیت شاخص است، به زبان انگلیسی تولید و به کار اضافه شود. این اثر به گونه‌ای طراحی شده که محدود به یک گروه مخاطب خاص نباشد و در واقع، همه می‌توانند مخاطب آن باشند. از ابتدا هم تلاش ما این بود که پیام، به صورت عمومی و قابل فهم برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان ارائه شود، نه اینکه صرفاً برای یک قشر تخصصی یا یک جامعه محدود تولید شود. مخاطب اصلی در وهله اول مردم عادی هستند. اثر مخاطب خاص و محدود ندارد، بلکه با رویکردی عمومی و فراگیر تولید شده تا هر فردی، با هر سطح از آشنایی، بتواند با آن ارتباط برقرار و پیام اصلی را دریافت کند.

از دغدغه اصلی تیم و بازخورد مخاطبان و پلنفرم‌های بخش اثر بگویید.

تنها به دنبال یک وجه نبودیم، هدف این بود تعادلی بین محتوا و فرم برقرار شود، به همین خاطر هم به فرم مناسب اهمیت دادیم تا مخاطب ارتباط بگیرد و هم مطمئن شدیم پیام، دقیق، قابل فهم و اثرگذار باشد. مخاطب‌هایی که متوجه می‌شوند سازندگان کار ما هستیم، می‌گویند که آن را دنبال کرده‌اند و از اثر خوش‌شان آمده است. درباره رسانه‌های منتشرکننده، اولویت و تمرکز ما بیشتر روی بخش تلویزیونی و انتشار در شبکه‌های اجتماعی داخلی مثل اینستاگرام و پیام‌رسان‌های داخلی است. در مورد یوتیوب هم به خاطر ریسک احتمالی مسدود و محدود شدن دسترسی، فعلاً آن را جزو مسیر انتشار قرار نداده‌ایم، البته برای نسخه انگلیسی ریسک را می‌پذیریم، چون هدف این است که پیام در سطح بین‌المللی هم دیده شود. از آنجا که از ابتدا برای تیم ما مهم بود محصول تولیدشده، صرفاً در یک فضای محدود منتشر نشود و حتماً به دست مردم برسد، خیال‌مان از نقش تلویزیونی راحت بود، چون واقعیت این است که هیچ پلنفرم و هیچ فضای رسانه‌ای به اندازه تلویزیون مخاطب ثابت و گسترده ندارد، حتی اگر بخش‌هایی از توجه مخاطب‌ها به سمت شبکه‌های دیگر رفته باشند، باز هم تلویزیون همچنان یک جایگاه جدی در دسترسی عمومی دارد.

بلکه با «آدم» روبه‌رو می‌شویم؛ آدمی که می‌تواند بسیار شبیه خود ما یا اطرافیان ما باشد، اما شاید مهم‌ترین نقطه قوت «اهل ایران» نوع مواجهه‌اش با مفهوم پایداری باشد. در این سریال، پایداری نه یک شعار است و نه یک مفهوم انتزاعی، بلکه تجربه‌ای ملموس است. در دل روایت‌ها، با آدم‌هایی مواجه می‌شویم که هر کدام به شکلی در حال ایستادگی هستند؛ گاهی در برابر مشکلات اقتصادی، گاهی در دل روابط خانوادگی و گاهی در مواجهه با موقعیت‌های دشوار شخصی. این پایداری‌ها شاید به چشم نیایند، اما دقیق که نگاه کنیم، ستون‌های اصلی زندگی اجتماعی‌اش شکل می‌دهند.

در همین امتداد، یکی از وجوه قابل تأمل سریال، توجه آن به جزئیات است؛ جزئیاتی که معمولاً در روایت‌های کلان نادیده گرفته می‌شوند. یک گفت‌وگوی کوتاه، یک تصمیم به‌ظاهر ساده یا حتی یک تردید درونی، در سریال «اهل ایران» می‌تواند به نقطه‌ای معنادار تبدیل شود. این تمرکز بر جزئیات، به روایت‌ها عمق می‌بخشد و اجازه می‌دهد شخصیت‌ها، نه به عنوان تیپ، بلکه به‌عنوان انسان‌هایی چندوجهی دیده شوند. همین امر است که باعث می‌شود مخاطب، به‌تدریج خود را در میان این داستان‌ها پیدا کند. از سوی دیگر، «اهل ایران» در ترسیم فضائیز رویکردی قابل توجه دارد. مکان‌ها در این سریال بخشی از هویت روایت را شکل می‌دهند؛ از خانه‌های ساده و محله‌های آشنا گرفته تا فضاهای کاری و اجتماعی. این فضاها، به شکلی طراحی شده‌اند که حس زیست واقعی را منتقل کنند و مخاطب را به دل موقعیت‌ها ببرند. در نتیجه، ارتباط با داستان‌ها، نه صرفاً از مسیر روایت، بلکه از طریق حس و تجربه نیز شکل می‌گیرد.

از این منظر، «اهل ایران» یادآور این نکته است که قهرمان بودن، لزوماً نیازمند صحنه‌های بزرگ و اتفاقات خارق‌العاده نیست. گاهی در ساده‌ترین انتخاب‌ها و در ادامه دادن‌های بی‌وقفه، می‌توان نشانه‌های آن را دید. این نگاه، نوعی دعوت است به بازنگری در تعریف‌هایی که از قهرمانی در ذهن داریم، البته این رویکرد، خالی از دشواری نیست. روایت زندگی‌های معمولی، اگر با دقت و ظرافت همراه نباشد، ممکن است به یکنواختی نزدیک شود. «اهل ایران» در برخی لحظات، تا مرز این خطر پیش می‌رود، اما در مجموع، صداقت در روایت و توجه به جزئیات انسانی، کمک می‌کند اثر از این دام فاصله بگیرد، حتی می‌توان گفت همین خطرپذیری در انتخاب سوزو‌ها، بخشی از هویت سریال را شکل داده است.

«اهل ایران» را می‌توان نوعی تأمل فرهنگی دانست؛ تأملی درباره اینکه چه کسانی واقعاً بار این جامعه را به دوش می‌کشند. این سریال، بدون آنکه بخواهد اغراق کند یا بزرگنمایی انجام دهد، سعی می‌کند نگاه ما را به اطرافمان دقیق‌تر کند.

در سیمتایی که تصویر قهرمانان اغلب با اغراق و فاصله همراه است، «اهل ایران» مسیر دیگری را پیشنهاد می‌دهد؛ مسیری که از دل زندگی واقعی می‌گذرد. شاید همین انتخاب است که به آن معنا می‌دهد. اینکه یادآوری کند ایران، پیش از هر چیز، با همین اهالی قهرمان و معمولی ساخته شده است؛ آدم‌هایی که بی‌ادعا، اما پیوسته، در حال ادامه دادن هستند و همچنان به ما نشان می‌دهد «این قصه قهرمان دارد.»

تجسم

«دروغ‌های ترامپ»

چگونه به یک مجموعه کاریکاتور بین‌المللی تبدیل شد؟

پینوکیو در کاخ سفید

یک ایده خودجوش در میانه بحران، حالا به مجموعه‌ای چندقسمتی تبدیل شده است؛ معصومه ذبیحی با استفاده از کاریکاتور و نمادهای جهانی، تلاش کرده است دروغ‌های سیاسی را به زبانی ساده و قابل فهم برای مخاطبان جهان روایت کند.

معصومه ذبیحی، طراح گرافیک و هنرمند درباره مجموعه کاریکاتورهای خود با عنوان «دروغ‌های ترامپ» توضیح داد که این پروژه در بستر تحولات جنگ رمضان شکل گرفته است و همچنان ادامه دارد. او گفت این مجموعه تاکنون به ۱۱ اثر رسیده و با توجه به تداوم اظهارات دونالد ترامپ، روند تولید آن نیز ادامه‌دار است.

او با اشاره به انگیزه شکل‌گیری این آثار افزود: آنچه ابتدا توجهش را جلب کرد، اظهاراتی بود که به وضوح نادرست به نظر می‌رسید. ذبیحی گفت در روزهای ابتدایی جنگ، برخی ادعاها مانند نابودی کامل توان نظامی ایران مطرح شد که به سرعت خلاف آن روشن شد و همین مسئله جرقه اولیه این مجموعه را در ذهن او ایجاد کرد. به گفته او، همین تناقض‌های آشکار باعث شد به فکر طراحی کاراکتری بیفتد که بتواند مفهوم «دروغگویی» را به صورت بصری

نمایش دهد.

ذبیحی ادامه داد که بسا تکرار این نوع اظهارات، ایده اولیه گسترش پیدا کرد و به شکل‌گیری یک مجموعه منسجم انجامید. او درباره ویژگی‌های بصری این آثار توضیح داد که سادگی در طراحی، یکی از اصول اصلی کار بوده است. او تلاش کرده از زبانی استفاده کند که پیچیدگی بصری نداشته باشد و در عین حال برای مخاطبان بین‌المللی نیز قابل فهم باشد.

این هنرمند تصریح کرد که از ابتدا به انتشار آثار در فضای بین‌المللی، به‌ویژه در پلنفرم‌هایی مانند ایکس (تویتر سابق)، فکر می‌کرده است. او افزود: در حالی که مخاطبان داخل ایران تا حد زیادی با واقعیت‌ها آشنا هستند، بسیاری از مخاطبان خارج از کشور ممکن است تصویر دقیقی از شرایط نداشته باشند، بنابراین تلاش کردم با ساده‌سازی عناصر بصری، پیام را برای آنها نیز قابل درک کنم.

ذبیحی در ادامه به استفاده از شخصیت «پینوکیو» به‌عنوان یک نماد جهانی اشاره کرد و گفت: این کاراکتر به‌دلیل شناخته‌شدگی جهانی، ابزار مناسبی برای انتقال مفهوم دروغ بود. او افزود که در مجموعه نخست، از این نماد به شکل پررنگ‌تری استفاده شده و عنصر «دماغ دراز» به عنوان نشانه دروغگویی،



نقشی فعال در ترکیب‌بندی آثار داشته است. به گفته او، در ادامه نیز این عنصر به نوعی در همه طرح‌ها حضور دارد و محور اصلی ایده‌پردازی‌ها را شکل می‌دهد.

او با تأکید بر نقش طنز در این آثار گفت: گاهی شدت تناقض‌ها و اغراق‌ها به حدی است که پرداختن به آنها در قالبی جدی دشوار می‌شود و ناگزیر باید از زبان طنز استفاده کرد. ذبیحی افزود که این رویکرد، هم به تعدیل تلخی موضوع کمک می‌کند و هم ارتباط با مخاطب را آسان‌تر می‌سازد.

این هنرمند درباره تکنیک اجرای آثار نیز توضیح داد. طراحی‌ها را با قلم نوری انجام داده و سپس در نرم‌افزار به آنها پرداخته است. او گفت تمام مراحل تولید آثار را شخصاً انجام داده است.

ذبیحی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به فعالیت هنرمندان در این دوره گفت که بسیاری از هنرمندان در حوزه‌های مختلف، گرافیک گرفته تا فیلم و مستند، در جنگ رمضان و مقاومت بعد از آن فعالیت جهادی داشته‌اند و تلاش کردند در این فضا نقش آفرینی کنند و او نیز سعی کرده به عنوان یک گرافیسیت سبهمی هرچند کوچک داشته باشد. او بار امیدواری کرد که این تلاش‌ها بتواند به آگاهی‌بخشی در داخل و خارج از کشور کمک کند، چراکه به گفته او، زبان هنر هم مانع‌گزار است و هم قابلیت فهم گسترده‌تری دارد.

او در پایان تأکید کرد که ایسن مجموعه به صورت خودجوش شکل گرفته و حاصل سفارش یا پروژه‌ای از پیش تعیین شده نبوده است.

ذبیحی گفت که در آن مقطع کوچک تلاش داشته به عنوان یک هنرمند، در حد توان برای کشورش قدم کوچکی بردارد و ایده «دروغ‌های ترامپ» نیز در همین مسیر شکل گرفته است.